

تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی

مصطفی کیانی^۱، اشکان بهجو^۲، نوشین راسیتان طهرانی^۳

چکیده

تداوم فضایی و به طور خاص تداوم میان بیرون و درون مفهومی است که بشر از ابتدا به دنبال تجلی آن در آثار معماری بوده است. در هر دوره از تاریخ معماری شاهد ظهور اصولی جدید هستیم که سعی در برقراری تداوم فضایی به شکلی مناسب تر از قبل دارند. رد پای این اصول را می توان در عصر حاضر در آثار معماران مدرن نیز پیگیری کرد. پیشرفت فناوری، رهایی معماران از قید و بند اصول کلاسیک گذشته و بسیاری از عوامل دیگر موجب شد که عالی ترین نوع تداوم فضایی در این دوره به ظهور برسد. در معماری سنتی ایرانی نیز توجه به تداوم فضایی قابل درک است و مانند سیر تاریخی معماری جهان برای رسیدن به تداوم بیشتر میان فضا، در این نوع معماری نیز شاهد تلاش برای برقراری تداوم مناسب ترمیان فضاها هستیم، اما برخلاف تداوم در معماری مدرن که بیشتر به دنبال تداوم بصری و فیزیکی است. تداوم فضایی در معماری ایرانی یک حرکت روحانی و معنوی است. بر همین اساس موضوع مورد بررسی این مقاله آن است که ببیند معماری معاصر ایران به عنوان وارث گذشته پربار خود، در زمینه برقراری تداوم فضایی تا چه اندازه اصول معماری سنتی ایرانی را ارتقا بخشیده و از سوی دیگر تا چه حد از معماری مدرن متأثر بوده است.

واژه های کلیدی: تداوم فضایی، سیالیت فضایی، معماری ایرانی، معماری مدرن، معماری معاصر ایران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۲۰

۵۲

شماره ۳-۵
پاییز ۱۳۹۴

فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث معماری از گذشته تا حال مقوله فضا بوده است. این واژه همراه با پسوندهای بسیاری همچون فضای ذهنی، فضای عمومی و خصوصی، فضای اجتماعی، فضای فرهنگی و... از سوی عام و خاص به کار برده می‌شود؛ اما پرسش اینجاست که در معماری، منظور از فضا چیست؟ گروتز نظریه پرداز معماری، فضا را این طور تعریف می‌کند: «فضا به مفهوم لغت انگلیسی آن (space) را می‌توان به سه گونه دسته بندی کرد: فضای جغرافیایی، فضای زندگی و فضای معماری» (Grutter, 2007: 222). از نظر ادراکی فضای اول، به طور مستقیم قابل درک نیست و فضایی ذهنی است؛ فضای زندگی نیز فضایی نیمه ذهنی است، به طوری که ما بخشی از آن را به طور مستقیم درک می‌کنیم، بخشی را، از راه اطلاعات می‌شناسیم یا اینکه اصلاً نمی‌شناسیم؛ فضای سوم که به صورت عینی قابل ادراک است، فضایی است که به طور مستقیم احساس می‌شود و از طریق عناصر تعریف کننده اش امکان شناخت می‌یابد. با این تعریف می‌توان نتیجه گرفت که فضای معماری زیرمجموعه‌ای است از فضای زندگی و آن نیز جزئی از فضای جغرافیایی است؛ بنابراین «می‌توان ادعا کرد که در معماری، خلق فضا همواره به معنای جدا کردن فضایی کوچک تر از فضایی بزرگ تر است». (Pakzad, 2010: 40) چگونگی تعریف مرز فضای معماری بسیار اهمیت دارد. مرزها نظم فضایی ایجاد می‌کنند و در نهایت کیفیت فضایی را که به وسیله آنان ایجاد می‌شود، مشخص می‌سازند. در این میان هر چه مرزهای تحدیدکننده فضای معماری که عبارت اند از کف، دیوار و سقف، واضح تر تعریف شده باشند، فضا بهتر درک می‌شود. «سه عنصر معمارانه که در همه سنت های تاریخی و فرهنگی به طور مشترک وجود دارد، کف، دیوار و سقف است. زمینه اصلی در مورد این سه عنصر معماری، ارتباط بین درون و بیرون است. این سه عنصر همراه با هم و به طور خودکار و البته به طرق گوناگون، یک درون را در میانه یک بیرون ایجاد می‌کنند؛ کف از طریق رو و زیر، دیوار از طریق درون و اطراف و سقف از طریق بالا و پایین» (Partovi, 2008: 91). از طرفی یکی از ویژگی های فضای معماری سیالیت آن است. فضایی که سیال است می‌تواند حرکت کند و تداوم یابد. در این میان فضای بسته و محصور از چنین قابلیتی محروم است و محکوم به سکون است.

۲. پرسش های پژوهش

۱. تداوم فضایی در معماری ایرانی چگونه است و از طریق چه اصولی بیان می‌شود؟ ۲. تداوم فضایی در معماری مدرن چگونه است و چطور بیان می‌شود؟ ۳. تداوم فضایی در معماری معاصر ایران چیست و در این زمینه چه میزان از معماری ایرانی وام گرفته و تا چه حد از معماری مدرن تأثیر پذیرفته است؟

۳. روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش های پژوهش از روش مورد پژوهی با استفاده از راه کارهای ترکیبی استفاده می‌شود (Groat, 2009: 341). رویکرد پژوهش بر مبنای بازشناسی مفهوم تداوم فضایی در معماری ایرانی و معماری مدرن و تحلیل نمونه های مورد مطالعه و سپس بررسی مطالب به دست آمده در معماری معاصر ایران است. روش جمع آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و میدانی است.

۴. تداوم

تداوم ۱ در حوزه اصطلاحات معماری کاربردهای زیادی دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره ای مختصر می‌شود و در ادامه به تداوم فضایی بررسی می‌گردد:

۴.۱. تداوم تاریخی

با مطالعه تاریخ معماری شاهد اصولی هستیم که در دوره های مختلف تکرار می‌شوند؛ سعی معماران هر دوره بر ارتقای این اصول و رسیدن به یک حد مطلوب است. بارزترین مثال برای این موضوع، نظریه استمرار و تداوم معماری ایرانی از معمار و پژوهشگر ایرانی، سید هادی میرمیران است؛ از نگاه او دو ویژگی مشترک در تمامی آثار شاخص معماری جهان دیده می‌شود. «در یک سیر تکاملی که در تاریخ چند هزار ساله معماری جهان دیده می‌شود، شاهد حرکتی به سوی کاستن از ماده و افزایش فضا هستیم؛ این حرکت برگرفته از حرکت کلی جهان هستی از کیفیتی مادی به یک کیفیت روحی است». (Memarian, 2005: 352)

۴.۲. تداوم فرهنگی-اجتماعی

ویژگی های اجتماعی و فرهنگی به راه های مختلفی بر معماری تأثیر می‌گذارند و آن را شکل می‌دهند. این ویژگی ها اغلب پس از گذشت زمان، تبدیل به میراثی معنوی، تاریخی و فرهنگی می‌شوند. اهمیت این میراث تا بدان جاست که جامعه را وامی دارد تا آن ها را حفظ

کند و تداوم بخشد. در رابطه با این موضوع می‌توان اصل محرمیت در معماری ایرانی را مثال زد و رد پای این اصل را می‌توان از دوره پارسی تا دوره قاجار پیگیری کرد. محرمیت یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده‌های آن است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی فضایی معماری سنتی ایران نمی‌توان کتمان کرد. معماری به‌عنوان کالبد اندیشه، همواره ابزاری برای بروز تفکر، نگرش و اندیشه‌های هر قوم و ملیتی بوده است. رد پای اصول و جهان بینی حاکم بر فرهنگ این سرزمین به بهترین وجه در معماری سنتی ایران زمین به چشم می‌خورد. (Seyfian & Mahmoudi, 2007:3)

۴.۳. تداوم طبیعی

این اصطلاح که بیشتر در معماری منظر کاربرد دارد، مربوط به رشد گیاهان و تأثیرات آن بر منظر و چشم‌انداز می‌شود. «تداوم طبیعی، بیانگر ساختارهای درازمدت و بادوام است که منظر را قادر به تغییرات لازم می‌کند، بدون اینکه آشفتگی رخ دهد، درحالی‌که این تغییرات طی زمان طولانی صورت می‌گیرند، می‌توانیم عناصری دیرپا را که کیفیتی جاودانه و بی‌زمان دارند و آن‌هایی که عمری کوتاه و ارزشی کمتر برای ما دارند، یکجا ببینیم.» (Bell, 2008:164)

۴-۴. تداوم فضایی

تداوم فضایی به‌عنوان یک ویژگی به کار گرفته شده در ساختار فضا و مرز بین داخل و خارج است و می‌توان آن را قابلیت معمارانه برای بسط یک فضای محدود و ارتباط آن با سایر فضاهای مجاور به منظور برخورداری از گنجایش بیشتر و امکان حرکت فیزیکی، بصری یا ذهنی- معنوی به حساب آورد. نقطه مقابل فضای بسته و تمام شده، فضای پیوسته و سیال قرار دارد؛ در چنین فضایی مسیر حرکت انسان یا نگاه او در تداوم پیوسته صورت می‌گیرد؛ به طوری که گشایش‌های فضایی در خطوط افقی و عمودی موجب شفافیت و سیالیت در لابه‌لای دیوارها و ستون‌ها می‌شود. تداوم در درون خود ماهیت کشش و حرکت را نیز داراست؛ به‌گونه‌ای که در هر فضایی که شاهد تداوم باشیم، ناخودآگاه به دنبال آن، کشش و حرکت را نیز خواهیم داشت. از این رو تداوم در سازمان‌دهی‌های فضایی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

۵. تداوم فضایی

۵.۱. شکل‌هایی از تداوم فضایی

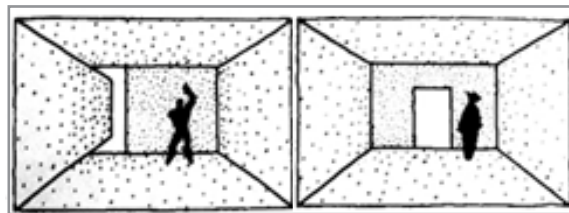
تداوم فضایی را می‌توان در چهار حالت بررسی کرد:

- حالت اول؛ میان فضای داخل و خارج؛ در این حالت تداوم علاوه بر اینکه امکان بسط چشم‌انداز و گشایش نوری را فراهم می‌آورد، مفهوم «در درون بودن» را نیز به انسان القا می‌کند؛ در صورتی که یک محفظه بسته که هیچ ارتباطی با بیرون ندارد، به دلیل نبود تنوع فضایی، چنین حسی را منتقل نمی‌کند. آرناهم نظریه پرداز معماری در این مورد می‌گوید: «هیچ مسئله فضایی‌ای به اندازه این امر، مشخصه ذاتی کار معمار نیست که او باید درون و بیرون را مرتبط باهم ببیند، یعنی اینکه باید آندورا اجزای یک مفهوم بشمارد» (Arnheim, 2007:123). انسان، هم به فضای درون، هم به فضای بیرون و هم به امکان حرکت بین این دو فضا نیازمند است. از این رو، این دو قابل جدایی مطلق نیستند و همیشه ارتباطی کم‌وبیش شدید بین آن‌ها وجود دارد. نوع ارتباط، بیش از هر چیز تابع نوع روزه‌های فضای داخلی از یک سو و رابطه فضایی بین جداره‌ها از سوی دیگر است. محل و فرم این ارتباطات بین داخل و خارج از تناقضی حاصل می‌شود که در ذات این ارتباط وجود دارد؛ به این معنا که از طرفی بایستی فضای داخلی باشد محصور و بسته شده در مقابل محیط خارج و از طرف دیگر بایستی قطعاً بین دو فضا ارتباطی وجود داشته باشد؛ چراکه هر دوی این فضاها در مجموع محیط زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و دارای ضرورت حیاتی هستند. (Grutter, 2007:164)

- حالت دوم؛ میان فضاهای داخلی؛ تداوم فضایی موجب ترکیب فضاهای داخلی می‌شود که این موضوع خود به انعطاف‌پذیری فضاهای داخلی، تنوع و افزایش گنجایش می‌انجامد. «امکان ترکیب برای هر فضای توانایی محسوب می‌شود. این امکان که هر فضا بتواند ضمن برخورداری از استقلال با فضای دیگری ترکیب شود و مجموعه ایجاد شده نیز از تعریف برخوردار باشد، منجر به انعطاف‌پذیری فضاهای می‌شود که این امکان، از نظر شیوه زندگی و ویژگی‌های رفتاری فرد و جامعه، پاسخگو بودن سازمان فضایی را مدنظر قرار دارد و مشوق تجمع آدمیان است.» (Haeri, 2009:177)

- حالت سوم؛ در یک فضای داخلی؛ این نوع تداوم که بیشتر در یک فضای بسته بزرگ مانند شبستان کلیساها و مساجد به دنبال آن هستیم، پیوستگی فضایی و خوانایی را به بیننده القا می‌کند.

- حالت چهارم؛ در فضای خارج بنا؛ این نوع تداوم در محوطه‌های بازی فضای شهری اتفاق می‌افتد و با ایجاد دیدها، تداوم بصری و امکان جهت‌یابی در محیط، بیننده را در درک فضا فراهم می‌آورد.



نگاره ۱: تداوم سطوح (Meiss, 2004:135)

۵.۲. عوامل ایجادکننده تداوم فضایی

تداوم فضایی را می‌توان از طریق برخی قابلیت‌های معمارانه ایجاد کرد، این عوامل عبارت‌اند از:

شفافیت جداره‌ها: مهم‌ترین عامل برای ایجاد تداوم میان دو فضا، شفافیت سطوح محدودکننده آن‌هاست. شفافیت سطوح را می‌توان از طریق تعبیه بازشوها، در و پنجره ایجاد کرد. اگر در سطوحی که محدوده را می‌بندند، بازشوهایی وجود نداشته باشد، هیچ‌گونه تداوم بصری و فضایی میان فضاهای مجاور امکان‌پذیر نیست. این بازشوها هم‌زمان با برقراری ارتباط با فضاهای مجاور، می‌توانند برحسب اندازه، تعداد و مکان قرارگیری‌شان حالت بسته بودن فضا را تضعیف کنند. همچنین بازشوها می‌توانند بر جهت‌گیری و تداوم فضا، کیفیت نورگیری آن، دیده‌ها و شکل عملکرد و حرکت در داخل فضا اثر بگذارند. (Ching, 2006:168)

محور: محورها نشان‌دهنده جهات هستند و عناصر مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌کنند (Grutter, 2007:442). به همین دلیل عامل پیوستگی و تداوم فضایی به شمار می‌روند. به تعبیری ساده‌تر، محور همچون ریسمانی فضاها را به هم متصل و مرتبط می‌کند. محورها می‌توانند در جهات متفاوتی تعریف شوند، اما از آنجاکه جهت‌یابی انسان بر اساس دو جهت افقی و عمودی است، این دو جهت اغلب قوی‌تر هستند و بسیار از سوی معماران به کار گرفته می‌شوند. از محور می‌توان برای به وجود آوردن انواع تداوم از قبیل داخل داخل، داخل خارج استفاده کرد. در انتها باید گفت که محورها لزوماً مستقیم نیستند، بلکه می‌توانند جهتشان را در طول مسیر تغییر دهند. ضرباهنگ و تکرار: همان‌طور که در ابتدای بحث نیز ذکر شد، اساس تداوم بر استمرار و تکرار است. «تکرار در قالب ریتم یا ضرباهنگ، آن‌گونه که در موسیقی یا معماری به چشم می‌خورد، اصلی بی‌نهایت ساده از ترکیب بندی است که سعی در به وجود آوردن حسی از انسجام و پیوستگی دارد.» (Meiss, 2004:44)

تداوم سطوح: وجود عناصر مشترک میان دو فضا حس پیوستگی را به بیننده القا می‌کند. وقتی سطح کف، دیوار یا سقف از فضایی به فضای دیگر امتداد می‌یابد، به دنبال آن دو فضا در یکدیگر تداوم پیدا می‌کنند (نگاره ۱).

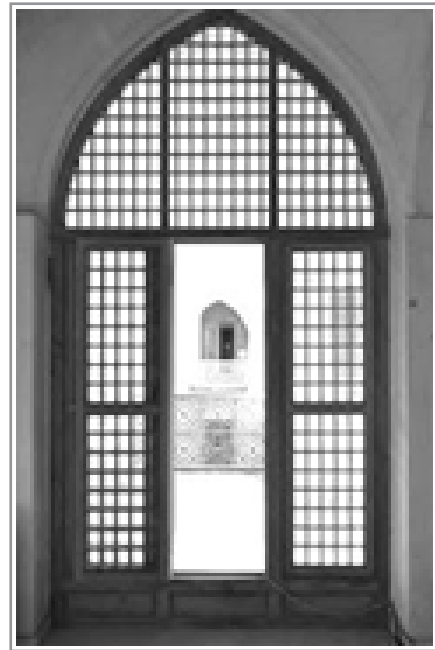
فضای بینابین: فضای بینابین (فضای سوم) یکی از عوامل اصلی پیوستگی، توالی و عرصه بندی فضایی عناصر معماری و شهری است و از این طریق نقش مؤثری در سازمان‌دهی فضا دارد (Bailan, 2011:68). وجود چنین فضایی میان فضاهای اصلی ضمن اینکه دو فضا را از هم تفکیک می‌کند، موجب می‌شود سیالیت فضا بدون هیچ انقطاعی تداوم یابد. فضاهای بینابین موجب تداوم میان دو فضای داخلی یا میان فضای داخل و خارج می‌گردند. برای نمونه می‌توان به ایوان در معماری ایرانی و پیلوتی در معماری مدرن اشاره کرد. در انتهای بحث تداوم باید گفت، هر فضای داخلی معماری از شش جهت قابلیت تداوم دارد.

۶. تداوم فضایی در معماری ایرانی

برای خواندن و درک فضای معماری ایرانی ابتدا باید آن را شناخت؛ «بخش ترکیبات فضایی در معماری ایران موجودیت کالبدی آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد» (Memarian, 2005:345). فضای معماری ایرانی از گذشته دور حاصل مجاورت و همسایگی سه ریز فضای اتاق، ایوان و حیاط بوده است. این سه ریز فضا را می‌توان به ترتیب در سه گونه فضای بسته، سرپوشیده و باز جای داد. معماران ایرانی هنگام طراحی این فضاها همواره مقوله تداوم و پیوستگی را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند. محمدرضا حائری، پژوهشگر معماری و شهرسازی در مورد تداوم فضایی در معماری ایرانی این‌طور می‌نویسد: «معماری خانه‌های تاریخی قسمتی از فضا را برای حضور، تعریف و تنظیم می‌کند و در این فرآیند خصلت پیوسته بودن فضای محصورشده به فضای لایتناهی را حفظ می‌شود. پیوستگی با فضای نامحدود از طریق بسط نوری و چشم‌اندازی و بسط فضایی جزء فضاها به یکدیگر ایجاد می‌شود. ... می‌توان از پایین‌ترین لایه خانه حرکت را آغاز کرد و به بالاترین لایه رسید. سازمان فضایی در مقابل این حرکت نه تنها مانعی ایجاد نمی‌کند، بلکه وظیفه هدایت این حرکت را برعهده گرفته است؛ از زیرزمین به حیاط، از حیاط به صفا، از صفا به بالاخانه، از بالاخانه به مهتابی، از مهتابی به بام و از بام به آسمان» (Haeri, 2009:177). به تعبیری دیگر می‌توان فضای معماری ایرانی را فضای مواج تصور کرد. موج دارای سیلان است و منحنی و از موانع گذر می‌کند. این فضا محصول نگاه تداوم فضایی مثبت به آن است. نادر اردلان معتقد است که معماران ایرانی سعی داشته‌اند انسان را از میان فضای بی‌مانع عبور دهند و نه از میان توده جامد و براین اساس «هیچ تداوم گسلی یا سدی در راه عبور انسان پدید نمی‌آوردند.



نگاره ۳: تکرار در معماری ایرانی (منبع نگارندگان)



نگاره ۲: شفافیت سطوح در معماری ایرانی (منبع نگارندگان)

مثال خوبی برای درک محور افقی و پلکان ها و نیم طبقه ها (در بناهای تاریخی) مثالی برای درک محور عمودی هستند. مثال دیگر برای تداوم عمودی مناره و گنبد است. «معماران اسلامی از گنبد به عنوان وسیله ای برای موزون کردن دیوارها یا ایوان های ستون دار استفاده می کردند...» (Hillenbrand, 2011: 102). برای ضرباهنگ و تکرار می توان از مواردی چون رواق، ساباط و دالان در فضای خارجی و از دیف ستون ها، طاق و قوس، طاقچه، رف و... در فضای داخلی نام برد (نگاره ۳).

آخرین عاملی که می تواند جلوه گر تداوم فضایی در معماری ایرانی باشد، فضای بینابین است. فضای بینابین به دلیل ویژگی پویایی و انعطاف پذیری خود همچون غشاء سلول، وظیفه دریافت، تفسیر، تغییر، تبدیل و تحول داده ها را دارد (Balilan, 2011: 68). نمونه بارز این گونه فضاها، ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه است. ایوان همواره نقشی گسترده در معماری کهن ایران ایفا کرده است. اندیشه اصلی یا مایه اولیه فکری به وجود آمدن ایوان را می توان نیاز ساکنان به معنای واسطه دانست که قادر باشد با فراهم آوردن امکان مکث یا توقف، حین گذشتن از فضای باز فضای داخلی و بالعکس - به پاره ای عملکردهای جنبی جواب دهد. در کتاب حس وحدت، در مورد ایوان این گونه آمده است: «... ایوان «راه» یا فضای انتقالی بین دنیاهای زمانی و زمینی است. ایوان را به لحاظ متافیزیکی می توان مکان جانی که بین باغ یا حیاط، به مثابه روح و اتاق به مثابه جسم، در حرکت است دانست» (Ardalan, 2001: 101). جلوخان نیز که در بسیاری از بناها رخ نمایی می کنند، به گونه ای، ویژگی هایی شبیه به ایوان را دارا هستند. «شاید تعریف جلوخان در معماری عبارت باشد

آدمی متداوماً، در فضایی موج و گسترنده که پیوسته یکتاست، پیش می رود» (Ardalan, 2001: 17). در این میان با مطالعه دوره های تاریخی معماری ایرانی، از دوره پارسی گرفته تا دوره اصفهانی، درمی یابیم سعی معماران هر دوره بر این بوده است تا از طریق کاهش جرم و افزایش فضا، ایده شفافیت، سبکی و تداوم فضایی را ارتقا، بخشند. در حقیقت استفاده از شفافیت در معماری ایرانی تقلیل معماری به خلأ واقعی است. شفافیت، سنگینی ساختمان را به سبکی معنوی سوق می دهد.

۶.۱. عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری ایرانی

همان طور که می دانیم، عوامل مهمی در درک تداوم فضایی در بناهای گذشته این سرزمین نقش داشته و دارند. تجلی مفهوم تداوم فضایی را می توان در چهار مورد طبقه بندی کرد و برای هر کدام نمود عینی آن را نیز نام برد. این موارد شامل شفافیت سطوح، محورها، ضرباهنگ و تکرار و فضاهای بینابین می شوند. برای مثال عناصری نظیر درب و پنجره، ارسی های شباک، فخر و مدین، جام خانه و هورانه ها می توانند نمایانگر شفافیت سطوح باشند (نگاره ۲).

همچنین، محورهای عمودی و افقی نیز می توانند به نحوی تداوم و پیوستگی بین ریز فضاها را نمایش دهند. نمود عینی محور، مسیری است که فرد به صورت ملموس یا غیرملموس در برخورد با یک فضای معماری آن را درک می کند یا در مسیر آن حرکت می کند. «مسیرها و مکان ها به حرکت باشند در فضای ایرانی نظر دارد» (Memarian, 2005: 344). مسیرآب در باغ ها

اشکال تداوم فضایی				عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری ایرانی	عوامل تداوم فضایی
فضای خارج	فضای داخل و خارج	دو یا چند فضای داخلی	یک فضای داخلی		
-	.	.	-	ارسی، شباک، فخر و مدین، جام خانه، هوران	شفافیت سطوح
.	.	.	.	انطباق محور فضاها، نیم طبقه، وید، مسیر آب، مناره، گنبد	محور
.	.	.	.	رواق، طاق، ساباط، رف، طاقچه	تکرار و ضرباهنگ
-	.	.	-	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	فضای بینابین

جدول ۱- عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری ایرانی

خارجی سازگاری به وجود آورد. گیدئون با مثال زدن از ساختمان کلیسای رنشان و اپرای سیدنی نشان می‌دهد که در این نوع معماری فضای داخل و خارج پیوستگی ابدی پیدا می‌کنند و از این طریق معماری مدرن به موفقیت بزرگی در همه اعصار نائل می‌شود. (299-322: Memarian, 2005) عده‌ای دیگر از نظریه پردازان مدرن، فضا را به عنوان یک پیوستار تعریف می‌کنند. از نظر گروه دستیل و به طور خاص مهلی-ناگی در پیوستار فضا، مرزها منقطع می‌شوند و فضا به صورت یک مفهوم روان و سیال درک می‌گردد. گشودگی‌ها و مرزها، حفره‌ها و سطوح متحرک محیط را به مرکز، هدایت و مرکز را به سمت بیرون منتقل می‌کنند. افت و خیزی پیوسته، رو به بالا منشعب شده و در همه جهات، نشان‌دهنده این است که تا آنجایی که توانایی‌های انسان و تصورات او اجازه می‌دهند، انسان مالکیت این فضای غیرقابل اندازه‌گیری، نامحسوس و در عین حال فضای مطلق را دارد (Nourmohamadi, 2011: 204). در همین زمینه، یکی از اعضای گروه دستیل می‌گوید: «از طریق انفجار محصوریت جداره‌ها، ما دوگانگی بین درون و بیرون را لغو کردیم» (Grutter, 2007: 170). در معماری مدرن فضای داخلی به صورت فضاهای درهم‌تنیده تصاویر بیرون و درون شکل می‌گیرد؛ در این معماری نامادیت غالب است و دیوارها با از دست دادن ثبات خود ماده‌زدایی می‌شوند. محصول این نامادیت، تداوم بصری و در پی آن تداوم فضایی است که اساساً با شفافیت بیان می‌شود. معماری داخل متأثر از پدیده شفافیت، حاصل محو شدن و ظهور دوباره و تکه‌تکه هر یک از سطوح در پشت سطحی دیگر است.

۷.۱. عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری مدرن

در دوران مدرن با پیشرفت فناوری، امکان نفی دیوار باربر و استفاده از پنجره‌های سرتاسری فراهم شد. معماری

از فضایی که در بعد عمودی به سقف محدود می‌شود و در بعد افقی به وسیله نقاطی در فضا. درجه محدودیت فضایی آن کاملاً با شفافیت افقی سطوح تعریف‌کننده‌اش متناسب است.» (Ardalan, 2001: 100) (جدول ۱)

۷. تداوم فضایی در معماری مدرن

همچون گذشته تداوم در فضای معماری کماکان یکی از دغدغه‌های معماران مدرن بوده است، اما در این دوران تداوم میان فضای داخل و خارج بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. «ارتباط میان درون و بیرون را می‌توان دستاورد معنوی مدرن دانست» (Grutter, 2007: 177). معماران مدرن با از بین بردن محصوریت معماری داخلی، دوگانگی میان درون و بیرون و نقش دیوار به عنوان عنصری جداکننده را کمرنگ کردند. معماری مدرن دیوارها را گشود و به فضای بیرون و درون امکان جریان در یکدیگر را داد. تلاش برای پیوند فضای داخل و خارج در معماری غرب همواره وجود داشته است، این سیر تاریخی در نهایت به معماری مدرن ختم می‌شود و بیرون و درون همپوش می‌شوند، به سخنی دیگر، مفهوم اندرون کمرنگ می‌گردد (Memarian, 2005: 340). «فکر فضای داخل و خارج، به عنوان اساس خانه در معماری مدرن از بین رفته و یک فضای پیوسته ایده آل، بدون وجه تمایز بین داخل و خارج جایگزین آن گشته است.» (2011: 173, Norberg-Shulz) گیدئون نیز در نوعی دسته‌بندی کلی، سه تصور اصلی در تحول فضای معماری معرفی می‌کند. در مرحله اول که مربوط به معماری مصر، بین‌النهرین و یونان است، اجسام از اهمیت برخوردار بوده‌اند. در مرحله دوم فضای داخلی اهمیت می‌یابد؛ تمدن رم پایه‌گذار این نوع نگرش به فضا در معماری بوده است و سپس معماری گوتیک، رنسانس و باروک این نگرش را غنا می‌بخشند. در مرحله سوم که مربوط به دوران مدرن است، معمار موفق می‌شود به طور کامل میان فضای داخلی و



نگاره ۵: ویلا ساوا (منبع: www.memary.blogfa.com)

بهره‌گیری از مسیرهای پویا همچون پلکان‌ها، رمپ‌ها و وُید ۲ها تداوم فضایی را به شیوه‌ای جدید میان فضاهای داخلی برقرار کردند (نگاره ۴).

آنان فضاهای داخلی ساختمان را به محلی برای قدم زدن تشبیه کردند. برای ایجاد معماری برای قدم زدن می‌توان پلکان‌های مدولار در یک بنا را که معمولاً در یک فضای جعبه مانند قرار می‌گیرند، حذف کرد. (Memarian, 2005: 170)

با این کار می‌توان رسوخ هر فضا در فضایی دیگر را داشت و سیالیت فضایی مورد نظر زوی را این گونه به دست آورد. بهترین مثال برای این موضوع، ویلای ساوا اثر لوکوربوزیه است. در این بنا فضای خارج از طریق رمپ میانی ساختمان به شکلی سیال تادرون ویلا تداوم می‌یابد (نگاره ۵)؛ محیط و ساختمان به گردشگاهی معمارانه برای ناظر تبدیل می‌شود. از دیگر راهکارهای معماری مدرن به منظور برقراری تداوم میان فضاها، امتداد سطوح است. در این مورد سطوحی مانند کف، دیوار یا



نگاره ۴: وُید مرکز موزه گوگنهایم (منبع: Memarpnu.blogfa.com)

مدرن فضای سیالی را می‌آفرید که متشکل از سطوح افقی و قائم بود. استقلال بصری این سطوح آزاد به وسیله اتصال‌هایی از صفحات شیشه‌ای امکان‌پذیر گشت، به طوری که پنجره‌ها از حالت سوراخ‌هایی در دیوار خارج و به وقفه‌هایی در آن تبدیل شدند. «تکنیک جدید گوه‌ری را ارائه کرد و الهامات هنری به واقعیت پیوست، دیوارها به شیشه تبدیل شدند و ارتباط مطلق میان فضای داخل و خارج به وجود آمد. معماری مدرن از این طریق توانست تداوم فضایی میان داخل و خارج را به طور کامل و ایده‌آل برقرار کند» (Zevi, 1997: 11). مرز بین داخل و خارج و وضوح خود را از دست داد و به مرزی مبهم و پیچیده تبدیل شد. سطوح داخلی و خارجی به صورت پدیده‌های احساسی درمی‌آمدند در این حالت بدنه‌های صلب و شفاف در فضا به حیات خود ادامه می‌دهند و ابعاد فضا به حد واسطی برای انتقال اطلاعات داخل و خارج تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، معماران مدرن با نفی محورهای کلاسیک با

اشکال تداوم فضایی				عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری ایرانی	عوامل تداوم فضایی
فضای خارج	فضای داخل و خارج	دو یا چند فضای داخلی	یک فضای داخلی		
-	.	.	.	پنجره سرتاسری شیشه‌ای، نفی دیوار صلب پلان آزاد	شفافیت سطوح
-	.	.	.	پلکان‌ها، رمپ‌ها، وُیدها	محور
.	.	.	-	تداوم کف در تراس، دیوار در فضای بازو سقف در کنسول	تکرار و ضرباهنگ
.	.	-	-	پیلوتی	فضای بینابین

جدول ۲. عناصر ایجادکننده تداوم فضایی در معماری مدرن (مآخذ: نگارندگان)



نگاره ۶: وُید مرکزی و تداوم فضایی میان طبقات (منبع: مهندسان مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۸۷: ۱۴۹)
سقف ضمن حفظ ویژگی‌های ظاهری خود از جمله بافت، رنگ و... از فضایی به فضای دیگر امتداد می‌یابد و از این طریق حس پیوستگی فضایی به بیننده منتقل می‌شود.

نگاره ۷: رواق حیاط مرکزی (منبع: مهندسان مشاور نقش جهان

۸. تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

معماری معاصر ایران در بستری بروز پیدا می‌کند که از لحاظ ارزش معماری، پیشینه‌ای پربار و درخشان را طی کرده است، از این رو نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشد؛ از طرفی تأثیر اندیشه مدرن بر آن را نیز نمی‌توان انکار کرد؛ بنابراین در این مقاله هدف این است که معماری معاصر ایران از منظر تداوم فضایی (موضوعی که در هر دو معماری ایرانی و مدرن مدنظر بوده است)، مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود این سبک از معماری ایران چه میزان از معماری گذشته خود و چه میزان از معماری مدرن جهان

در مطالب فوق ذکر شد که معماران مدرن همواره به دنبال ارتباط مناسب میان بیرون و درون بودند. یکی از تلاش‌های آنان برای رسیدن به این هدف، ابداع گونه جدیدی از فضاها یا بینابین بود. پیلوتی به عنوان یک فضای مفصل بین بنا و فضای اطرافش قرار می‌گرفت و ضمن جدا کردن این دو، تداوم فضایی میان بنا و محیط و همچنین پیوستگی فضایی سایت را برقرار می‌کرد. «پیلوتی، ساختمان را از رابطه سنتی اش با زمین آزاد می‌کرد و زمین را به عنوان گستره‌ای نامحدود رها می‌ساخت» (Norberg-Shulz, 2011: 56) (جدول ۲)

معماری مدرن			معماری ایرانی				نوع تداوم
فضای بینابین	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح	فضای بینابین	تکرار و محور	شفافیت سطوح	
پیلوتی	تداوم کف در تراس، دیوار در فضای باز، سقف در کنسول	پلکان‌ها، رمپ‌ها، وُیدها	پنجره شیشه‌ای، سرتاسری، نفی دیوار صلب پلان آزاد	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	رواق، رف، ساباط، طاق طاقچه	انطباق محور فضاها، نیم طبقه، وُید، مسیر آب، مناره و گنبد	شبک، ارسی،
							یک فضای داخلی
		•				•	دو یا چند فضای داخلی
		◦		◦		◦	فضای داخل و خارج
							فضای خارج

جدول ۳. تداوم فضایی در فرهنگسرای نگارستان (مأخذ: نگارندگان)

معماری مدرن				معماری ایرانی				نوع تداوم
فضای بینابین	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح	فضای بینابین	تکرار و	محور	شفافیت سطوح	
پیلوتی	تداوم کف در تراس، دیوار در فضای باز، سقف در کنسول	پلکان‌ها، رمپ‌ها، ویدها	پنجره شیشه‌ای سرتاسری، نفی دیوار صلب پلان آزاد	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	رواق، رف، ساباط، طاق طاقچه	انطباق محور فضاها، نیم طبقه، وید، مسیر آب، مناره و گنبد	شباک، ارسی	یک فضای داخلی
								دو یا چند فضای داخلی
				•	•			فضای داخل و خارج

جدول ۴. تداوم فضایی در مسجد دانشگاه تهران (مآخذ: نگارندگان)

گزینش شدند؛ انتخاب بناها به شکلی صورت گرفت که نماینده‌ای از هر دوره زمانی در آن وجود داشته باشد تا در انتها نتیجه به واقعیت نزدیک تر باشد. در این میان با توجه به حجم تحلیل‌ها و ظرفیت مقاله، تنها چهار نمونه به تفصیل در متن گنجانده شده است که البته نتیجه‌گیری نهایی مربوط به هر شانزده اثر تحلیل شده است.

غرب تأثیر گرفته است. برای این بررسی، مشاهده نامه‌ای توصیفی تحلیلی تنظیم شد که معیارهای مقایسه در آن، عوامل ایجاد تداوم فضایی در معماری ایرانی و مدرن هستند. در این جدول دواپرتوپر (۵) نشان دهنده ارتباط قوی و دواپرتوخالی (۶) نشان دهنده ارتباط ضعیف عناصر است. به منظور تهیه جمعیت آماری پژوهش، شانزده اثر از میان بناهای عمومی دهه ۵۰ شمسی تا زمان حال

معماری مدرن				معماری ایرانی				نوع تداوم
فضای بینابین	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح	فضای بینابین	تکرار و	محور	شفافیت سطوح	
پیلوتی	تداوم کف در تراس، دیوار در فضای باز، سقف در کنسول	پلکان‌ها، رمپ‌ها، ویدها	پنجره شیشه‌ای سرتاسری، نفی دیوار صلب پلان آزاد	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	رواق، رف، ساباط، طاق طاقچه	انطباق محور فضاها، نیم طبقه، وید، مسیر آب، مناره و گنبد	شباک، ارسی	یک فضای داخلی
								دو یا چند فضای داخلی
				•	•			فضای داخل و خارج
								فضای خارج

جدول ۵. تداوم فضایی در پردیس سینمایی ملت (مآخذ: نگارندگان)



نگاره ۹: پلان سالن‌ها (منبع: مجله معمار، ۱۳۸۷: ۲۱)



نگاره ۸: رمپ‌های ارتباطی (منبع: www.etoood.com)



نگاره ۷: رواق حیاط مرکزی (منبع: مهندسان مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۸۷: ۲۷)



نگاره ۱۰: پیلوتی و ارتباط آن با حیاط مرکزی (منبع: www.cinemakhabar.ir)

۶۱

شماره ۳-۵
پاییز ۱۳۹۴

فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

معماری مدرن				معماری ایرانی				نوع تداوم
فضای بینابین	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح	فضای بینابین	تکرار و محور	شفافیت سطوح		
پیلوتی	تداوم کف، در تراس، دیوار در فضای باز، سقف در کنسول	پلکان‌ها، رمپ‌ها، وُیدها	پنجره شیشه‌ای، سرتاسری، نفی دیوار صلب پلان آزاد	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	رواق، رف، ساباط، طاق طاقچه	انطباق محور، فضاها، نیم طبقه، مسیر، آب، مناره و گنبد	شباک، ارسی	
							یک فضای داخلی	
		•		•		•	دو یا چند فضای داخلی	
•			•	•			فضای داخل و خارج	
	•				•		فضای خارج	

جدول ۶. تداوم فضایی در فرهنگسرای نیاوران (مآخذ: نگارندگان)

۸.۱. فرهنگسرای نگارستان

فضای خارج در این بنا از طریق پلکان و رمپ ورودی به درون زمین و بنا نفوذ پیدا می‌کند. حیاط خلوت کوچک مقابل ورودی، در نقش فضای بینابین، باعث تداوم میان فضای درون و بیرون می‌شود. در داخل نیز شاهد یک وُید مرکزی هستیم که در طول یک محور عمودی همچون ستون فقرات ساختمان، فضاهای حول وُید را به هم مرتبط می‌کند؛ قرارگیری یک جام‌خانه در انتهای محور

عمودی وُید، بار دیگر باعث پیوستگی فضای درون و بیرون می‌شود. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که حیاط خلوت کوچک ورودی، جام‌خانه، پلکان و رمپ موجب تداوم فضای داخل و خارج می‌شود. همچنین قرارگیری فضاهای داخلی حول وُید مرکزی و ترکیب آن با پلکان باعث تداوم فضاهای داخلی می‌گردد (جدول ۳ و نگاره ۶).

جدول ۷. جدول توصیفی-تحلیلی نمونه‌های موردی (مآخذ: نگارندگان)

معماری مدرن				معماری ایرانی				نوع تداوم	نام بنا
فضای	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح	فضای بینابین	تکرار و ضرباهنگ	محور	شفافیت سطوح		
پیلوتی	تداوم کف در تراس، دیوار در فضای باز، سقف در کنسول	پلکان، رمپ، وُید	پنجره شیشه‌ای سرتاسری، نفی دیوار صلب پلان آزاد	ایوان، صفه، گوشواره، هشتی، جلوخان، حیاطچه	رواق، طاق، ساباط، رف، طاقچه	انطباق محور فضاها، وُید، نیم طبقه، مسیر آب، مناره و گنبد	شباک، ارسی	۱	
							یک فضای داخلی		
		•				•	دو یا چند فضای داخلی		
							فضای داخل و خارج		
							فضای خارج		
							یک فضای داخلی	۲ مسجد دانشگاه تهران	
							دو یا چند فضای داخلی		
				•	•		فضای داخل و خارج		
				•			فضای خارج		

								یک فضای داخلی	پرديس سينمايي ملت	۳
		•	•	•				دو يا چند فضای داخلی		
	•		•	•				فضای داخل و خارج		
	•							فضای خارج		
								یک فضای داخلی		۴
			•		•		•	دو يا چند فضای داخلی		
	•			•	•			فضای داخل و خارج		
		•					•	فضای خارج		
								یک فضای داخلی	مجموعه ورزشي ونک	۵
							•	دو يا چند فضای داخلی		
					•	•		فضای داخل و خارج		
								فضای خارج		
								یک فضای داخلی	ساختمان اجلاس سران	۶
			•					دو يا چند فضای داخلی		
				•	•		•	فضای داخل و خارج		
							•	فضای خارج		
								یک فضای داخلی		۷
							•	دو يا چند فضای داخلی		
				•				فضای داخل و خارج		
					•	•		فضای خارج		

۶۳

شماره ۳-۵
پاییز ۱۳۹۴

فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

								یک فضای داخلی	موزه هنرهای معاصر	۸
		•	•			•		دو یا چند فضای داخلی		
								فضای داخل و خارج		
								فضای خارج		
								یک فضای داخلی	پردیس سینمایی تماشا	۹
								دو یا چند فضای داخلی		
			•					فضای داخل و خارج		
								فضای خارج		
								یک فضای داخلی	مجموعه ورزشی رفسنجان	۱۰
								دو یا چند فضای داخلی		
				•				فضای داخل و خارج		
								فضای خارج		
								یک فضای داخلی	مرکز فرهنگی دزفول	۱۱
								دو یا چند فضای داخلی		
						•		فضای داخل و خارج		
			•			•		فضای خارج		
								یک فضای داخلی	مرکز فرهنگی اصفهان	۱۲
								دو یا چند فضای داخلی		
				•		•		فضای داخل و خارج		
								فضای خارج		

۶۴

شماره ۳-۵
پاییز ۱۳۹۴
فصلنامه علمی-پژوهشی

نقش جهان

تداوم فضایی در معماری معاصر ایران

							یک فضای داخلی	تئاتر شهر	۱۳
							دو یا چند فضای داخلی		
							فضای داخل و خارج		
							فضای خارج		
							یک فضای داخلی	ساختمان میراث فرهنگی	۱۴
							دو یا چند فضای داخلی		
							فضای داخل و خارج		
							فضای خارج		

جدول ۷. جدول توصیفی-تحلیلی نمونه‌های موردی (مآخذ: نگارندگان)

۸.۲. مسجد دانشگاه تهران

امتداد کف‌سازی از محوطه عمومی دانشگاه به داخل حیاط مرکزی مسجد، همراه با ایجاد تداوم فضایی موجب کشش به درون بنا می‌شود. حیاط مرکزی به‌عنوان فضایی بینابین، محوطه دانشگاه و شبستان را به هم مرتبط می‌کند. تداوم و کشش با انطباق محور شبستان و حیاط و همچنین قرارگیری ورودی اصلی شبستان بر آن، دوچندان می‌شود. در فضای داخل نیز تعبیه پنجره‌های کوچک در زیر گنبد، نور و به دنبال آن فضای خارج را به داخل وارد می‌کنند. محور عمودی ای که از مرکز گنبد عبور می‌کند، تداوم و کشش را بار دیگر در این فضای واحد به سمت بالا ایجاد می‌کنند که البته نحوه آرایش ستون نیز در این امر بی‌تأثیر نیست. بدین ترتیب در مسجد دانشگاه تهران شاهد دو نوع تداوم داخل داخل و داخل خارج هستیم (جدول ۴ و نگاره ۷).

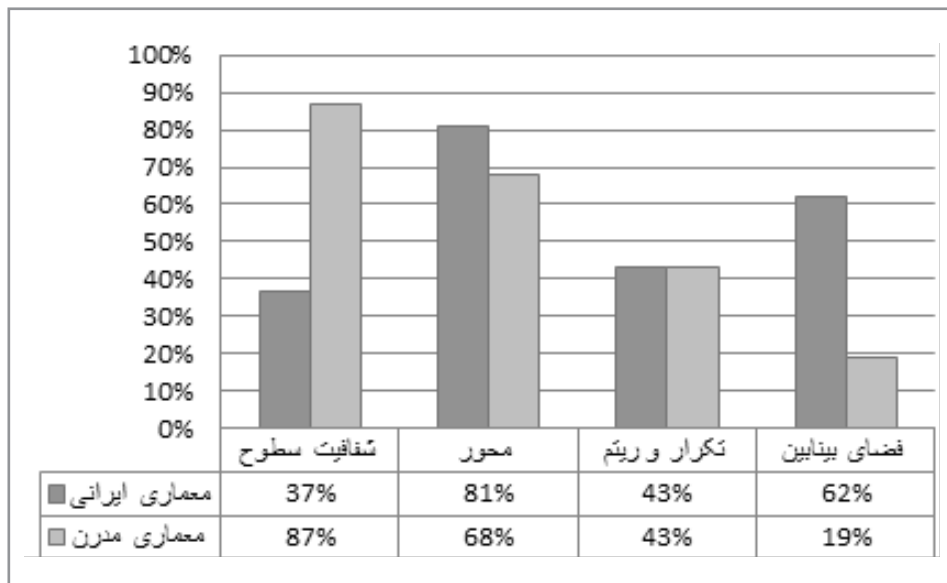
۸.۳. پردیس سینمایی ملت

یک جبهه این بنا را خیابان و جبهه دیگر را پارک احاطه می‌کند. این دو فضا از طریق پیلوتی زیر ساختمان به بهترین شکل در هم نفوذ می‌کنند و تبدیل به فضایی پیوسته می‌شوند. فضای خارج از طریق رمپ‌هایی که در پیلوتی تعبیه شده‌اند، در درون امتداد می‌یابد. در این میان پیلوتی نقش فضای بینابین را بازی می‌کند. رمپ‌ها در داخل بنا نیز وجود دارند و فضاهای مختلف بنا را به شکلی سیال و نرم به هم مرتبط می‌کنند. از سوی دیگر، جداره‌های تمام شیشه‌ای شرقی و غربی بنا باعث

می‌شوند فضای درون و بیرون یکی شود. به‌طور کلی، با تحلیل این بنا می‌توان نتیجه گرفت ایده معماری برای قدم زدن یا گردشگاه معمارانه لوکوربوزیه به بهترین شکل در پردیس سینمایی ملت بروز پیدا کرده و فضای سیال از بیرون به درون و از درون به بیرون تداوم یافته است (جدول ۵ و نگاره‌های ۸ و ۹).

۸.۴. فرهنگسرای نیاوران

فضای باز محوطه از ورودی جنوبی به‌وسیله محور آب و ردیف درختان باغ تا بنای دفتر مخصوص امتداد می‌یابد. در میانه این محور شاهد گشایشی فضایی هستیم؛ تعبیه یک صفه بر روی حوض آب و یک طاق، فضای باغ را به درون حیاط مرکزی فرهنگسرا می‌کشاند. فضای باز با حرکتی سیال از طریق رواق‌ها و پنجره‌های سرتاسری به درون بنا راه پیدا می‌کند. در درون بنا نیز (به‌ویژه فضای گالری) شاهد امتداد فضا به‌وسیله رمپ‌ها و پلکان هستیم. این فضای سیال در نهایت از طریق روزن‌های سقفی بار دیگر به فضای باز خارج می‌پیوندد. در انتها باید ذکر کرد که در گذشته فضای حیاط مرکزی نیز به‌وسیله پیلوتی که در زیر کتابخانه فرهنگسرا قرار داشته و اکنون به سالن اجتماعات تبدیل شده است، به باغ و فضای شهری پشت فرهنگسرا متصل می‌گردیده است که امروزه دیگر چنین امکانی وجود ندارد. بنا بر مشاهدات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت، در فرهنگسرای نیاوران از قابلیت‌های معماری ایران و معماری مدرن برای برقراری



نمودار ۱. نمودار مقایسه میان عوامل تداوم فضایی

این آثار نیز می‌شود؛ مرکز فرهنگی دزفول، ساختمان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی و ساختمان میراث فرهنگی، نمونه‌های خوبی از به‌کارگیری محور ایرانی به‌منظور برقراری تداوم میان فضاها هستند. در زمینه استفاده از ضرباهنگ، تکرار با بررسی جدول درمی‌یابیم که این عوامل به‌طور مساوی به کار گرفته شده‌اند و هر دو در ۴۳ درصد بناها دیده می‌شوند (ممکن است در یک بنا هر دو حالت دیده شود). فضای بینابین از نوع ایرانی همچون ایوان، گوشواره و حیاط خلوت بیشتر از نوع غربی خود یعنی پیلوتی مورد استفاده معماران معاصر ایرانی بوده است؛ به طوری که در ۶۲ درصد بناها نوع ایرانی و در ۱۹ درصد موارد نوع مدرن دیده می‌شود. (نمودار ۱)

در مقایسه‌ای دیگر می‌توان دریافت که در همه بناها معماران به مسئله ارتباط درون و بیرون توجه کرده و هر یک به طریقی آن را برقرار کرده‌اند؛ به طوری که حتی در بناهایی که بخش اعظم آن‌ها زیرزمین قرار دارد، مانند فرهنگسرای نگارستان و موزه هنرهای معاصر، شاهد تلاش برای ارتباط میان درون و بیرون هستیم. در این میان در ۶۸ درصد از بناها ارتباط میان درون و بیرون به شکلی مناسب و قوی برقرار شده و در ۳۳ درصد از آن‌ها ارتباط از نوع ضعیف و تنها در حد پاسخگویی به برخی از نیازهای اساسی بنا و کاربران است. در مورد دیگر انواع تداوم آمار قدری متفاوت است؛ به طوری که ۹۵ درصد معماران در تلاش برای ایجاد تداوم میان فضاهای داخلی بوده‌اند؛ از این تعداد ۶۷ درصد دارای ارتباط قوی و ۳۳ درصد ارتباطی ضعیف دارند. از سوی دیگر، در ۷۵ درصد بناها شاهد استفاده از اصول تداوم فضایی در محوطه و

تداوم فضایی به صورت توأمان استفاده شده است (جدول ۶ و نگاره ۱۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته بر روی بناهای منتخب، نتایج مشاهدات در جدول ۷ که به‌طور خلاصه توصیفی است از نحوه پرداختن به موضوع تداوم فضایی در ۱۶ بنای منتخب، از این قرار است. با بررسی جدول درمی‌یابیم که در زمینه استفاده از شفافیت سطوح برای رسیدن به تداوم فضایی، ۳۷ درصد بناها متأثر از راهکارهای معماری ایرانی بوده و ۸۷ درصد، از راهکارهای معماری مدرن استفاده کرده‌اند. این آمار بدین معناست که معماران معاصر به‌منظور برقراری تداوم، به‌ویژه میان بیرون و درون استفاده از سطوح کاملاً شفاف و شیشه‌ای و نفی دیوار را نسبت به کاربرد آرسی، شبک و ... ترجیح می‌دهند. پردیس سنمایی ملت از میان بناهای تحلیل شده به بهترین شکل از این عامل برای برقراری انواع تداوم استفاده کرده است؛ به طوری که در عمل مرز میان فضاها برداشته شده و فضاهای مجزا و مستقل به صورت فضایی پیوسته و واحد درآمده‌اند.

در مورد به‌کارگیری محور به‌منظور برقراری تداوم، این بار آمار عکس مورد قبل است؛ یعنی ۸۱ درصد از بناها دارای ویژگی‌های محور ایرانی بوده و ۶۸ درصد آن‌ها از پلکان، رمپ و وُید برای رسیدن به تداوم فضایی استفاده کرده‌اند. محور ایرانی علاوه بر اینکه عامل سازمان دهنده بسیاری از بناهای بررسی شده است، موجب ایجاد تداوم در فضاهای داخلی و فضاهای خارجی

سایت هستیم. تنها ۲۵ درصد معماران در تک فضاهای داخلی آثار خود سعی در ایجاد تداوم فضایی داشته‌اند.

از میان بناهای بررسی شده در جدول ۷، در فرهنگسرای نیاوران شاهد بیشترین تلاش به منظور برقراری تداوم فضایی هستیم، به طوری که معمار بنا تلاش کرده است به طور هم‌زمان از راهکارهای معماری ایرانی و معماری مدرن برای ایجاد انواع تداوم فضایی استفاده کند. در مقابل، این تلاش در بنای تئاترشهر به حداقل می‌رسد و از سیالیت و پویایی فضاها کاسته می‌شود.

در انتها نیز باید گفت، در زمینه استفاده از اصول تداوم فضایی، ۵۹ درصد بناها متأثر از معماری ایرانی، ۴۰ درصد متأثر از معماری مدرن بوده و ۱ درصد نیز به طور یکسان از هر دو تأثیر گرفته‌اند (نمودار ۱).

پی نوشت

۱. ریشه کلمه تداوم، از کلمه ادامه یا مصدر ادامه دادن است و آن در لغت نامه دهخدا به معنی همیشه داشتن، پیوستگی، پیوسته گردانیدن و دائم داشتن است. کلمه پیوسته نیز، به معنی متصل، به هم بسته و بلافصل تعبیر شده است؛ همچنین پیوستگی به معنی حالت و چگونگی پیوسته، مقابل گشادگی، گسستگی و انفصال آمده است.

۲. void

فهرست منابع

- Ardalan, Nader; Bakhtiar, Laleh (2001). The sense of unity; the Sufi tradition in Persian architecture, Isfahan, Khak.
- Arnheim, Rudolf (2007). The dynamics of architectural form, Tehran; Samt & the Iranian academy of the arts.
- Balilan, Lida; Iraj Etessam & Seyed Gholamreza Eslami (2011). The intermediate space for identification of the spatial extent of the historical context of Iran, HOVIAT-E-SHAHR, (8).
- Bell, Simon (2008). Elements of visual design in the landscape Tehran, University of Tehran.
- Ching, Frank (2006). Architecture, form, space, & order, Tehran, University of Tehran.
- Dehkoda, Ali Akbar (1951). Dictionnaire Encyclopedique, Tehran, University of Tehran.